

تحلیل لایه‌ای بازگشت نخبگان خارج از کشور به چرخه خدمت جامعه: مطالعه موردی ایران

محمد حسینی مقدم^۱ و حسن بشیری^۲

(دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۶)، (پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۷)

DOI: 10.22047/ijee.2019.169492.1619

چکیده: گذار جامعه ایرانی از وضعیت کنونی به وضعیت پیشرفته یکی از آینده‌های مطلوب مورد اجماع نظر اندیشمندان، فرهیختگان و دولتمردان در ایران است. صرف نظر از دقیق‌سازی مفهوم «پیشرفته» شکل دیگری از اجماع نظر، دست‌کم در لایه عینی و خودآگاه میان اعضای جامعه علمی، سیاستمداران و نخبگان جامعه وجود دارد که استفاده از توانمندی متخصصان و تلاش برای بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه یکی از پیشران‌های اصلی پیشرفت کشور است. برای بررسی بازگشت نخبگان به چرخه جامعه، پژوهشی ساختاربندی شده است تا در آن به کمک روش بررسی اسنادی، پانل خبرگان و تحلیل تجربه کشورهای منتخب به این پرسش پاسخ داده شود که خروج نخبگان، افراد ماهر و آموزش‌دیده از چرخه خدمت به جامعه ایران چگونه است و این وضعیت تابع کدام عوامل است؟ عوامل شناسایی شده به روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها ساختاربندی شدند و نقش عوامل ناملموس، انگیزه‌های روانی، ذهنی و اسطوره‌هایی که در ناخودآگاه ذهن افراد وجود دارد و آنها را به خروج از چرخه خدمت به جامعه سوق می‌دهد، در کنار نقش عوامل ملموس به صورت همزمان دیده شدند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، مهاجرت نخبگان، بازگشت نخبگان، تحلیل لایه‌ای علت‌ها

۱- استادیار گروه مطالعات آینده نگر، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). Mh_moghadam@yahoo.com

۲- استادیار گروه مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات دانشگاه صنعتی همدان، همدان، ایران. bashiri@hut.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از رایج‌ترین پیامدهای جهانی‌شدن فشردگی زمان و مکان است. این مهم، امکان نقل و انتقال افراد، کالاها و خدمات را بسیار تسهیل ساخته است. ساده‌پذیر شدن مرزها در فراسوی مرزهای ملی از جمله مناقشه برانگیزترین نتایج جهانی‌شدن است؛ به عبارت روشن‌تر، افراد برای دستیابی به موقعیت جذاب‌تر، چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی، به سادگی می‌توانند در فضای جهانی‌شده ترک وطن کنند. رفت‌وآمد سرآمدان، برگزیدگان و منتخبان جامعه به خارج از میهن از جهات متفاوت محل توجه دولتمردان و نیز افراد جامعه است. دولتمردان توسعه‌گرا مهم‌ترین ابزار توسعه را در گرو در اختیار داشتن سرمایه‌های انسانی می‌دانند. سرآمدان، برگزیدگان و منتخبان جامعه در شقوق و شئون مختلف علمی، فنی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مهم‌ترین جلوه سرمایه‌های انسانی هستند؛ از این رو، حفظ و نگاهداشت آنها در چرخه خدمت به جامعه در کانون توجه دولتمردان توسعه‌خواه قرار دارد.

همچنان‌که اشاره شد، خروج متخصصان از چرخه خدمت به کشور در تمام حوزه‌ها موجب افول سرمایه‌های انسانی و اجتماعی می‌شود، اما اهمیت این افول در حوزه فنی و مهندسی از سایر حوزه‌ها پررنگ‌تر است و دلیل این موضوع وضعیت جهانی عرضه و تقاضا برای مهاجرانی است که مهارت‌های فنی و مهندسی لازم را برای پیشبرد برنامه‌های توسعه در کشورهایی همچون کانادا، نیوزیلند، استرالیا، آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته در اختیار دارند. در ادامه این موضوع مطابق گزارش‌های بین‌المللی بررسی و نشان داده شده است که سطح مهاجرت نیروهای دارای توان فنی و مهندسی همچون مهندسان و پزشکان به کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) در مقایسه با سایر مهاجران ایرانی بیشتر و پررنگ‌تر است. یادآوری این نکته لازم است که در سراسر جهان مهاجرت متخصصان حوزه‌های علوم اجتماعی، انسانی، هنر و ادبیات نسبت به سایر حوزه‌ها کمتر است، به دلیل آنکه این حوزه‌های تخصصی بافتارمند^۱ هستند و توسعه و پیشرفت در چنین حوزه‌هایی نیازمند تجربه زیسته و بهره‌مندی از اقتضانات بومی و محلی است.

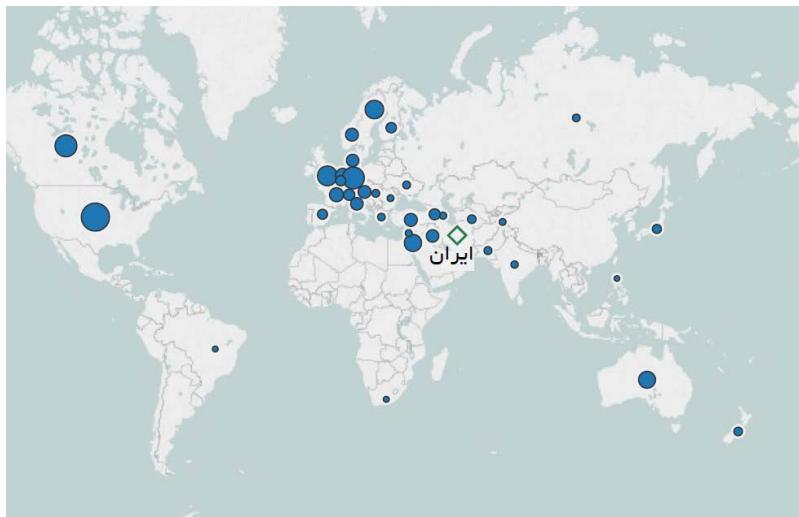
نکته درخور تأمل آن است که آیا ترک وطن موجب خروج افراد برگزیده و منتخب جامعه از چرخه خدمت به میهن‌شان شده است یا خیر؟ آیا راهکارهایی برای حفظ و نگهداشت افراد برگزیده و سرآمد در کشور وجود دارد؟ آیا امکان معکوس کردن روند خروج نخبگان از داخل به خارج از کشور میسر است؟ پژوهش‌های مختلفی درباره مهاجرت نخبگان در کشورهای مختلف صورت گرفته است. بررسی تجربه جهانی نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در مهاجرت نخبگان مؤثرند که امکان کنترل این عوامل به منظور جلوگیری از این‌گونه مهاجرت‌ها تقریباً ناممکن و البته، غیرعقلانی است. آنچه پژوهش حاضر را شکل داده است، توجه به جنبه دیگری از مهاجرت نخبگان و شناسایی عواملی است که با مهار آنها بتوان زمینه را برای استفاده از نخبگان و سرآمدان در چرخه خدمت به جامعه بدون الزام به بازگشت دائمی فراهم آورد.

به منظور شکل بخشیدن به پژوهش، ابتدا تلاش شد تا مقوله خروج نخبگان و برگزیدگان جامعه به خارج از کشور از نظر مفهومی به صورت عمیق‌تر بررسی شود. طبیعتاً در این بررسی ادبیات این پدیده محور اصلی کاوش بوده است. این پژوهش ناظر بر ساختار بندی این پرسش است که خروج نخبگان، افراد ماهر و آموزش دیده از چرخه خدمت به جامعه ایران چگونه است؟ این وضعیت تابع کدام عوامل است؟ این عوامل هر یک در چه سطحی قابل حل هستند؟

۲. فرار مغزها: کاوش در مفاهیم

اصطلاح «فرار مغزها» نخستین بار در انجمن سلطنتی بریتانیا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ برای توصیف جریان خروج فتاوران و دانشمندان به کشورهای مثل کانادا و آمریکا استفاده شد. سازمان ملل متحد «حرکت یک طرفه افراد بسیار متخصص از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته» را فرار مغزها اعلام کرده است. برخی فرار مغزها را «مهاجرت دائمی یا طولانی مدت افراد ماهری می‌دانند که از آموزش‌های قابل توجه جامعه خود برخوردار شده‌اند». مفهوم «فرار مغزها» صرف نظر از خاستگاه تاریخی و جغرافیایی آن، ناظر بر خروج نخبگان از چرخه خدمت است (Wächter, 2006).

مطابق گزارش مدیرکل امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه در سال ۱۳۹۳، حدود ۵ تا ۶ میلیون ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند و این افراد سرمایه‌ای میان ۱/۵ تا ۴ تریلیون دلار را در اختیار دارند (Ghavam Shahidi, 2014). بر اساس بررسی «مؤسسه سیاست‌پژوهی مهاجرت»^۱، در سال ۲۰۱۵، تراکم جمعیت مهاجران ایرانی در کشورهای متفاوت مطابق شکل ۱ است (Migration Policy Institute, 2017).



شکل ۱: تراکم جمعیت مهاجران ایرانی در کشورهای متفاوت

مطابق این بررسی بزرگ‌ترین جمعیت امروزی ایرانیان خارج از کشور را می‌توان در پنج کشور بین شرق میانه، اروپا و شمال آمریکا نام برد. کشور آمریکا میزبان بیش از یک میلیون ایرانی (بزرگ‌ترین جمعیت مهاجر ایرانی) در جهان است. کشور امارات متحده عربی، با توجه به نزدیکی آن به ایران و مرکزی مناسب برای کسب و کار و گردشگری، میزبان ۴۰۰ هزار ایرانی است. کشورکانادا با ۱۲۰ هزار ایرانی دارای رتبه سوم است. پس از آن کشورهای قطر و آلمان با ۱۰۰ هزار نفر جزو کشورهای مقصد ایرانیان هستند. تعداد مهاجران ایرانی در کشورهای سوئد حدود ۵۴ هزار نفر و بریتانیا حدود ۵۸ هزار نفر است و سرزمین‌های اشغالی نیز مقصد بیش از ۱۳۵ هزار ایرانی یهودی است.

به‌زعم برخی از صاحب‌نظران، ایران به‌طورکلی، کشوری مهاجرپرست نیست و برعکس، همواره مهاجران زیادی را به خود جذب کرده است و پدیده دایاسپورایی عمدتاً در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاده است. ابعاد این پدیده تا امروز هنوز چندان شناخته شده نیست و هر از چندگاه از «چندین میلیون» حتی بدون هیچ پایه‌ای از (۳ تا ۵ میلیون) و غیره، جمعیت دایاسپورایی سخن گفته می‌شود، اما واقعیت آن است که این ارقام تقریباً هیچ مبنای دقیق علمی و میدانی ندارد. سرشماری سال ۲۰۰۵ در ایالات متحده آمریکا؛ یعنی کشوری که گمان می‌شود بیشترین تعداد ایرانیان مهاجر را در خود جای داده است، نشان داد که فقط ۳۰۰ هزار از شهروندان آمریکایی خود را دارای تبار ایرانی می‌دانند. مؤسسه مطالعه ایرانیان آمریکا در مؤسسه فناوری ماساچوست نیز این بحث را مطرح کرده است که بسیاری از ایرانی‌تبارها به دلایلی نخواستند ریشه ایرانی خود را در این سرشماری اعلام کنند و با یک تخمین، رقمی حدود ۵۰۰ هزار نفر را در خصوص ایرانیان آمریکا ارائه می‌دهد. اما حتی اگر شمار ایرانیان غیرقانونی مقیم این کشور و سایر ایرانیان مهاجر را در کشورهای اروپای غربی و دیگر نقاط جهان، که برخی تخمین‌های جزئی و تحقیقات کوچک محلی درباره آنها وجود دارد، به این رقم اضافه کنیم، احتمالاً به رقمی حدود یک میلیون نفر خواهیم رسید که به نسبت جمعیت ما حدود ۱/۲۵٪ جمعیت کشور است (Fakoochi & Ibrahimi, 2009).

افزون بر این، جمعیت مهاجرت‌کننده عمدتاً سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی بالایی نیز داشته‌اند. همین امر نیز سبب شده است تا در طول سه دهه گذشته نوعی دایاسپورای علمی در دانشگاه‌های جهان و از جمله در برخی از معتبرترین دانشگاه‌های اروپا و آمریکا شکل بگیرد. تخمین زده می‌شود که مهاجران ایرانی دارای سرمایه‌ای به ارزش خالص ۱/۳ تریلیون دلار آمریکا بوده‌اند. در سال ۲۰۰۰ ایرانیان مقیم خارج از کشور نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا در خارج از کشور خود سرمایه‌گذاری کرده بودند. البته، این ارقام امروز بسیار بالاتر است. تخمین زده می‌شود که خروج سرمایه ایرانیان حدود ۳۸ میلیارد دلار آمریکا در سال است (Shoamanesh, 2009).

اما آیا خروج نخبگان از چرخه خدمت الزاماً در گرو خروج فیزیکی آنها از کشور است؟ یا آنکه حضور یا

عدم حضور نخبگان در چرخه خدمت به جامعه را می‌توان معیار خروج قلمداد کرد؟ پاسخگویی به این پرسش‌ها چندین ابهام را برطرف می‌سازد: نخست آنکه ممکن است برگزیدگان و سرآمدان جامعه هرگز کشور را ترک نکنند، اما فعالیت‌ها و دستاوردهای آنها در جهت خدمت به جامعه و کشورشان نباشد. برای مثال، برخی از برگزیدگان علمی کشور از رهگذر انتشار مقاله در مجلات پرستند بین‌المللی شهرت و اعتبار به دست آورده‌اند، اما نتیجه این انتشارات که بخش مهمی از عمر و تلاش‌های محققان مذکور را به خود اختصاص داده، چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم، در مسیر پیشرفت و آبادانی کشور قرار نگرفته است. این مهم بیانگر مفهوم «مهاجرت مجازی»^۱ و ناظر بر این امر است که نخبگان بدون درنوردیدن مرزهای سیاسی و از راه دنیای مجازی در عصر ارتباطات از رهگذر خروج آخرین یافته‌های علمی خود دست به مهاجرت مجازی زده‌اند. اما در مقابل، ممکن است برگزیدگان ایرانی مقیم خارج از کشور حتی تجربه زیستن در فضای اجتماعی ایران را نیز به دست نیاورده باشند، اما اقدامات و خدمات آنها در جهت کمک به کشور باشد یا ایرانیانی که مدت طولانی است کشور را ترک کرده‌اند، اما تعلق خاطر و دلبستگی به میهن و خانواده موجب شده است که همواره در تلاش باشند تا جامعه خود را از دستاوردهای خویش بهره‌مند سازند.

سنجش این شاخص‌ها بسیار پیچیده و تقریباً ناممکن است، اما هدف ما از طرح چنین پرسش‌هایی تأکید بر لزوم تمایز مفهومی میان واژگان رایج است. از نظر مفهومی «فرار مغزها» ناظر بر مهاجرت دائمی یا طولانی‌مدت افراد ماهری است که از سرمایه‌گذاری آموزشی چشمگیر جامعه خود برخوردار و از چرخه خدمت کشور مبدأ خارج شده‌اند. همچنان که بیان شد، در تعریف سازمان ملل فرار مغزها ناظر بر حرکت یک‌طرفه افراد بسیار متخصص از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته است. در این تعریف تدقیق نشده که آیا این خروج دائمی است یا موقت؟ نکته مهم این تعریف تأکید آن بر کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته است. این در حالی است که آمار خروج افراد متخصص از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه در حال افزایش است!

«جابه‌جایی» یا «تحرك افراد»^۲ از دیگر مفاهیم مرتبط است. این مفهوم ناظر بر تحرك افراد بسیار ماهر و آموزش‌دیده است که از چرخه خدمت جامعه خود خارج نشده‌اند، بلکه به شکلی با موطن خود در ارتباط هستند. رفت‌وآمد دانشجویان، پژوهشگران، دانشگاہیان و هنرمندان ایرانی به خارج و داخل کشور برای دریافت داده‌ها، آموزش‌ها و تبادل اطلاعات با هم‌تایان غیرایرانی و انجام دادن طرح‌ها و برنامه‌های مشترک مصداق این مهم است. مفهوم دیگر «چرخش افراد»^۳ است. این مفهوم ناظر بر تحرك و جابه‌جایی چندجانبه‌ای است که از آن به «شهروندی فراملی»^۴ افراد نام می‌برند، اما کشش افراد ماهر به سمت موطن خود است.

«دایاسپورا» مفهوم دیگری است که در ذیل فرار مغزها مطرح است. این مفهوم ناظر بر گروهی از انسان‌هاست که در جایی دورتر از فرهنگ خود (فرهنگی که به آن احساس تعلق دارند) زندگی می‌کنند و با اینکه از این فرهنگ (حوزه جغرافیایی آن) دور هستند، همچنان هویت اصلی خود را در میان گروه حفظ می‌کنند. این هویت به ارتباطی وابسته است که آنها را به مرکز فرهنگی متصل می‌کند و این ارتباط می‌تواند شکل‌های گوناگونی همچون روابط و وابستگی‌های خانوادگی یا اجتماعی، دینی، سیاسی و اقتصادی را شامل شود (Bayat, 2014).

با بررسی عناصر گوناگون در شکل‌گیری و تداوم یک دایاسپورا، می‌توان چهار گروه زیر را به‌عنوان گروه‌های اصلی تقسیم‌بندی کرد (Fakoochi & Ibrahimi, 2009):

گروه اول گروهی است که حول یک حوزه کارآفرینی شکل می‌گیرند؛

● در گروه دوم عناصر اصلی دین و زبان است؛

● سومین گروه آنهایی هستند که حول یک حوزه سیاسی شکل می‌گیرند؛

● چهارمین گروه حول محور نژادی و فرهنگی شکل می‌گیرند.

نکته مهم در بررسی این مفاهیم، توجه به این موضوع است که آیا افراد برگزیده و سرآمد جامعه صرف‌نظر از اینکه در کشور خود زندگی‌کنند یا خیر، در مسیر خدمت به جامعه خود قرار گرفته‌اند یا خیر؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، پدیده فرار مغزها رخ نداده است، اما در صورت منفی بودن پاسخ، می‌توان اذعان کرد که این پدیده محقق شده است. پرسش مهم دیگر آن است که کدام افراد مصداق «مغز»، «سرآمد» یا «نخبه» تلقی می‌شوند؟ در این خصوص دیدگاه‌ها متنوع و گوناگون است. برخی هر نوع مهاجرت از کشور را، صرف‌نظر از اینکه کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا دائمی باشد و مهاجران افراد ماهر یا غیرماهر باشند، مصداق فرار مغزها تلقی می‌کنند. برخی دیگر فقط خروج دانشگاہیان را مصداق فرار مغزها می‌دانند. از این رو، در ادامه تلاش شده است تا از یک دسته‌بندی جهان‌شمول برای شناسایی افرادی که کشور خود را ترک می‌کنند، استفاده شود. اینکه کدام گروه مصداق مغز، نخبه، متخصص و... محسوب شود، امری قراردادی و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. برای مثال، برخی از منتخبان جامعه ایران در عرصه نویسندگی، موسیقی و سینما که ایران را به‌صورت کوتاه‌مدت یا بلندمدت ترک کرده و از دولت فرانسه مدال شوالیه دریافت کرده‌اند، آیا مصداق نخبگان تلقی می‌شوند یا خیر؟ ممکن است آنها در جامعه ایران مصداق افراد نخبه تلقی نشوند، اما در جامعه فرانسه این افراد جزو نخبگان و سرآمدان کشورها به‌شمار می‌روند و دولت فرانسه با حمایت از آنها در تلاش است تا اثرگذاری خود را در کشورهای مبدأ افزایش دهد.

۳. دسته‌بندی نخبگان

همان‌طور که گفته شد، مفهوم نخبگی وجوه و تفاسیر متفاوتی دارد. به‌منظور روشن کردن موضوع

به دسته‌بندی‌هایی می‌پردازیم که درخصوص این مفهوم شکل گرفته است. دسته‌بندی رایج برای شناسایی افرادی که کشور مبدأ را به سمت کشور مقصد ترک می‌کنند، عبارت است از (Solimano, 2009):

الف. افراد مؤثر در بخش کسب و کار (مهندسان، کارآفرینان، مدیران و افراد با مهارت بالا)؛

ب. برگزیدگان علمی (دانشگاهیان، دانشمندان و دانشجویان بین‌المللی)؛

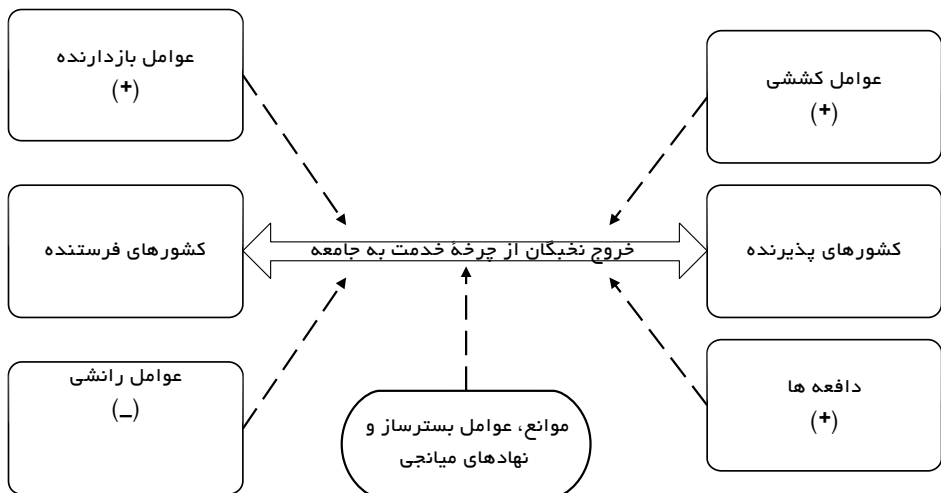
پ. افراد مؤثر در حوزه سلامت و پزشکی (پزشکان، متخصصان حوزه سلامت و پرستاران)؛

ت. افراد مؤثر در بخش فرهنگ (هنرمندان، موسیقی‌دانان، نویسندگان و اصحاب رسانه).

البته، این دسته‌بندی جامع و مانع نیست؛ به عبارت روشن‌تر، بسته به شرایط بافتار و اقتضائات جوامع ممکن است افراد دیگری ذیل آن قرار گیرند یا از این مجموعه حذف شوند. برای مثال، ممکن است در یک جامعه نویسندگان و هنرمندان جزو افراد برگزیده و نخبه محسوب شوند و در جامعه دیگر جزو نخبگان نباشند. اما در جامعه ایران، صرف نظر از درستی یا نادرستی موضوع، عموماً دانشگاهیان و افرادی که تحصیلات عالی دارند، جزو نخبگان محسوب می‌شوند و خروج آنها از کشور چشمگیرتر و بیشتر محل توجه است.

۴. رویکرد مطرح درباره خروج نخبگان از کشور

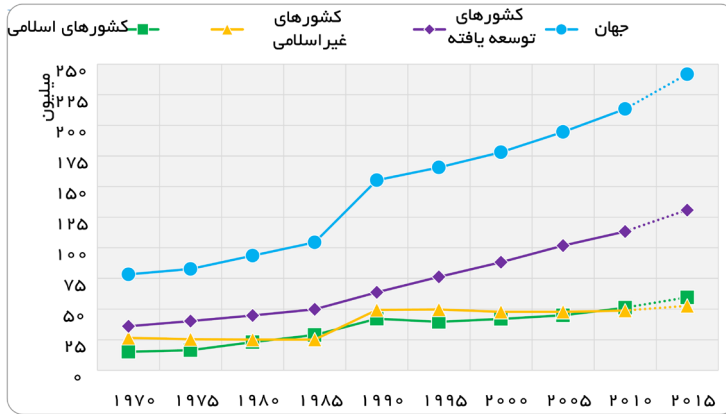
خروج نخبگان از کشور از زوایای متفاوت قابل بررسی است. وجه اشتراک رویکردهای اصلی تحلیل این پدیده آن است که طیفی از دافعه‌ها و جاذبه‌ها در فضای ملی و بین‌المللی بر چگونگی حضور نخبگان در چرخه خدمت به کشور مؤثر است. چگونگی برهم‌کنش عوامل کششی و رانشی خروج نخبگان از کشور را می‌توان به صورت شکل ۲ نشان داد (Nazemi & Zighami, 2013).



شکل ۲: عوامل کششی و رانشی خروج نخبگان از کشور

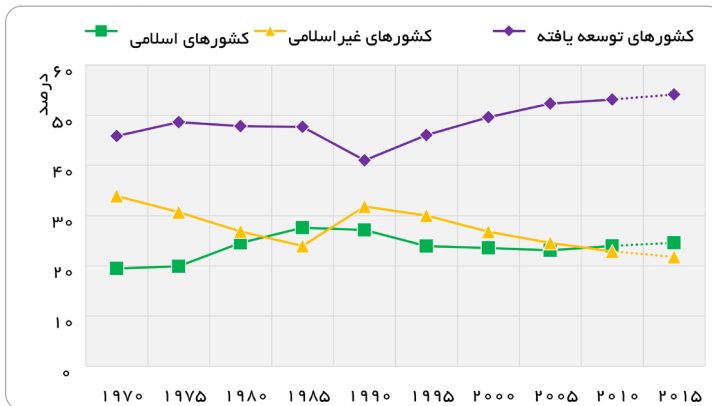
۵. وضعیت خروج نخبگان از کشورهای مبدأ در جهان: بررسی آماری

روند خروج افراد متخصص و ماهر از کشورها طبق بررسی سازمان کشورهای اسلامی مطابق شکل ۳ است (SESRIC, 2013).



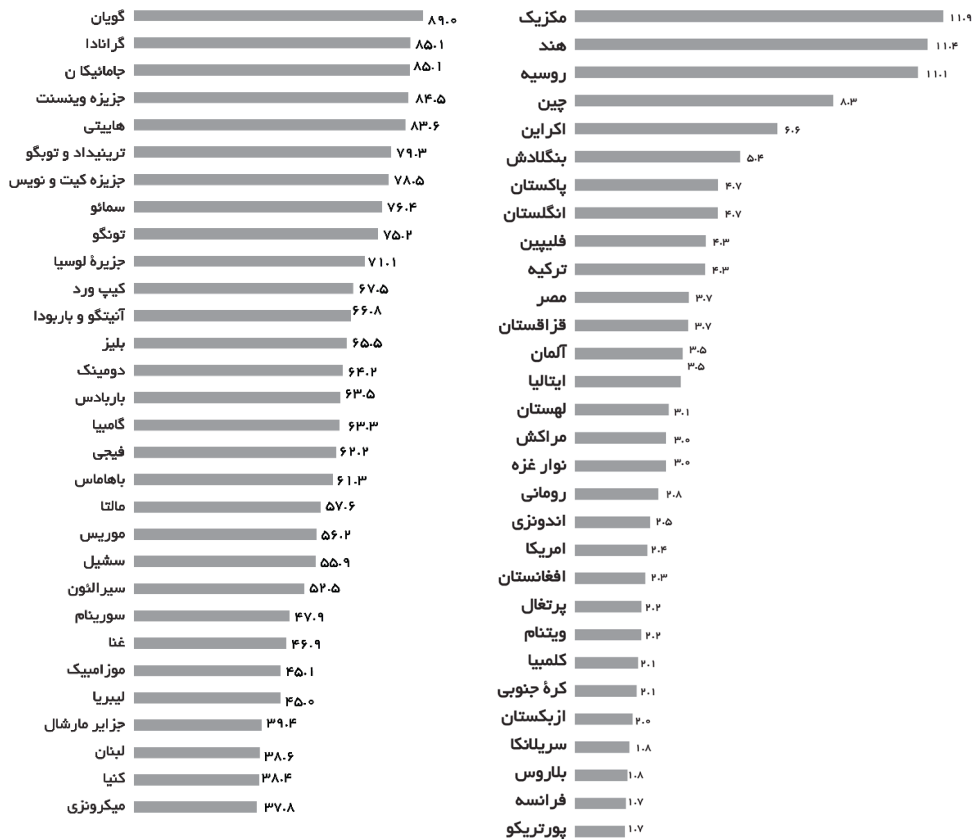
شکل ۳: روند خروج متخصصان در جهان از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۵

همچنان که ملاحظه می‌شود، مهاجرت نخبگان در کشورهای اسلامی از تعداد نزدیک به ده میلیون نفر در دهه ۱۹۷۰ به تعداد نزدیک به شصت میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ خواهد رسید (با توجه به گذراندن این سال، میزان مهاجرت نخبگان از کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۵ بالغ بر شصت میلیون نفر بوده است). در مقابل، پذیرش متخصصان و افراد ماهر خارجی در کشورهای اسلامی رشد چندانی نداشته است. در شکل ۴ طی پنجاه سال گذشته پذیرش افراد ماهر و متخصص در کشورهای توسعه یافته، کشورهای اسلامی، کشورهای غیراسلامی و جهان برحسب درصد نشان داده شده است؛ به عبارت روشن‌تر، مشخص شده است که چند درصد از کل جمعیت کشورهای اسلامی مهاجران هستند (SESRIC, 2013).



شکل ۴: درصد خروج نخبگان از کل جمعیت در مناطق مختلف جهان

کشورهای اصلی فرستنده مهاجر در سال ۲۰۱۰ مطابق شکل ۵ است (World Bank, 2011). کشور مکزیک با داشتن نزدیک به ۱۲ میلیون مهاجر در خارج از کشور جایگاه نخست را دارد. مطابق این آمار کشور ایران در میان کشورهای اصلی فرستنده مهاجر بین المللی نیز قرار ندارد. البته، باید خاطر نشان ساخت که الزاماً تمام این مهاجران افراد متخصص و برگزیده نیستند.

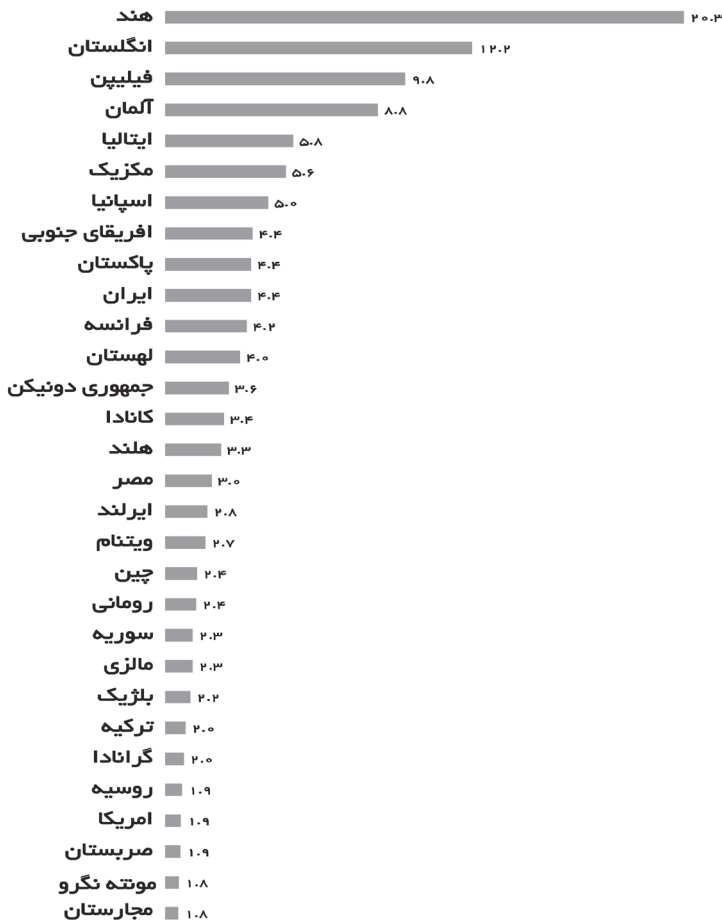


شکل ۶: کشورهای اصلی فرستنده مهاجر آموزش دیده (بر حسب درصد به کل مهاجران)

شکل ۵: کشورهای اصلی فرستنده مهاجر بین المللی (بر حسب میلیون نفر)

در سال ۲۰۰۶ کشورهای اصلی فرستنده افراد برخوردار از آموزش های عالی به خارج از کشور مطابق شکل ۶ بوده است. مطابق این آمار کشور «گویان» با خروج ۸۹ هزار مهاجر برخوردار از آموزش های عالی در جایگاه نخست قرار دارد. مطابق این بررسی کشور ایران در میان کشورهای اصلی فرستنده مهاجر برخوردار از آموزش های عالی قرار ندارد (Docquier & Marfouk, 2005). خروج افراد متخصص و آموزش دیده از کشور، همان گونه که گفته شد، جزو چشمگیرترین موضوعات

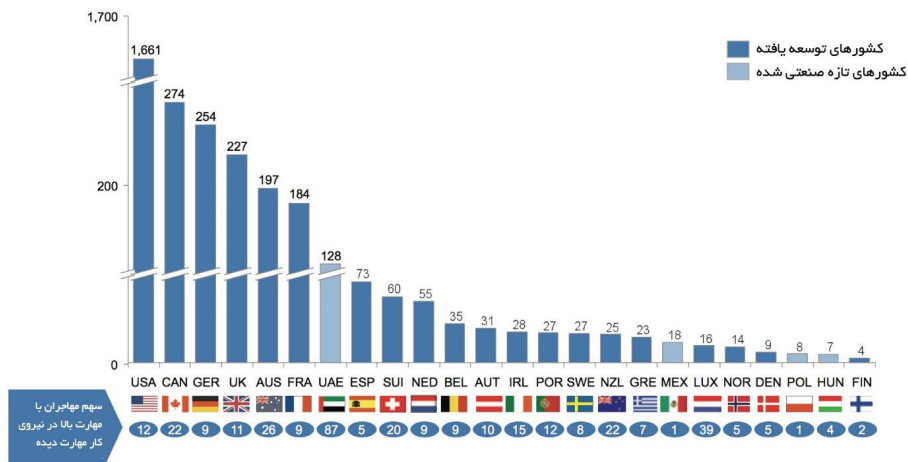
مرتبط با خروج نخبگان است. مطابق آمار خروج افراد از کشور ایران به مقصد کشور آمریکا به منظور ادامه تحصیل از دهه هفتاد میلادی تا سال ۲۰۱۲ بیانگر آن است که در سال ۱۹۷۹ حدود ۵۱۳۱۰ نفر ایرانی در آمریکا مشغول تحصیل بوده‌اند، همین آمار در سال ۲۰۱۲ به ۶۹۸۲ کاهش یافته که نشان دهنده کاهش حدود ۸۶ درصد از جمعیت در حال تحصیل ایرانیان در کشور امریکاست (Institute of International Education, 2013). مطابق گزارش سال تحصیلی ۲۰۱۷-۲۰۱۸ تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در کشور آمریکا ۱۲/۷۸۳ نفر رسیده است (Institute of International Education, 2019). مطابق آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۰، کشورهای اصلی فرستنده پزشکان و متخصصان بهداشت و سلامت به خارج از کشور مطابق شکل ۷ است (Bhargava et al., 2011).



شکل ۷: کشورهای اصلی فرستنده پزشکان (بر حسب هزار نفر)

مطابق این آمار کشور ایران با داشتن ۴۴۰۰ نفر پزشک جایگاه دهم را در میان کشورهای اصلی فرستنده پزشکان به خارج از کشور دارد. البته، این پرسش مهم است که چند نفر از این افراد در داخل کشور و چند نفر در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند؟

البته، حضور مهاجران خارجی در کشورها آثار متفاوتی به همراه دارد که کمک به تولید ناخالص داخلی یکی از آنهاست. به‌منظور پاسخگویی روشن‌تر به این مهم، داده‌های دیگری جمع‌آوری و در شکل ۸ نشان داده شده است. در شکل ۸ کمک مهاجران خارجی ماهر و متخصص در کشورهای توسعه‌یافته و تازه صنعتی شده به اقتصاد نشان داده شده است. برای مثال، در کشورکانادا ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی نتیجه حضور مهاجران متخصص است. همین آمار برای کشوری مانند امارات متحده عربی ۸۷ درصد است (The Boston Consulting Group, 2014).

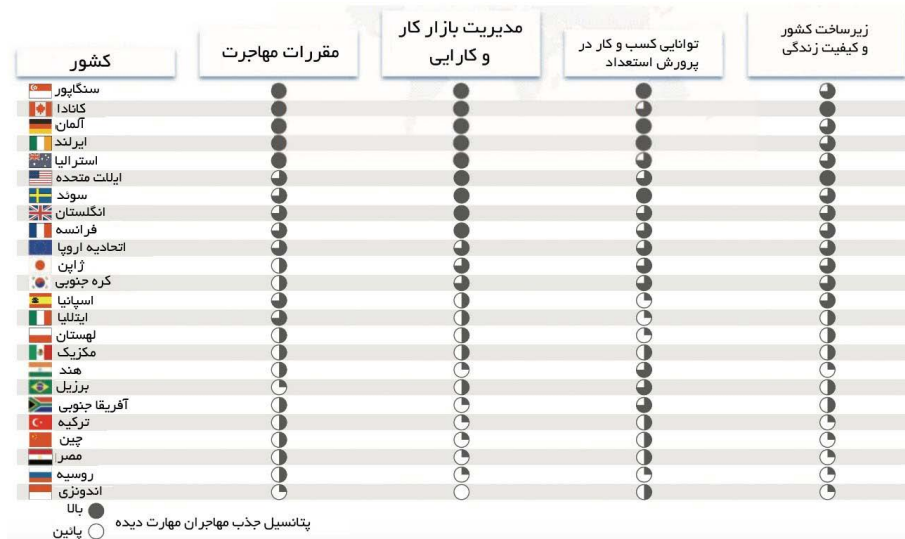


شکل ۸: سهم مهاجران بین‌المللی در تولید ناخالص داخلی کشورهای اصلی پذیرنده مهاجر

امروزه، کشورها بر حسب توانایی جذب متخصصان خارجی دسته‌بندی می‌شوند. نکته درخور تأمل در این خصوص تغییر جایگاه کشورها در پذیرش متخصصان و افراد ماهر خارجی است. برای مثال، مطابق شکل ۹ کشور سنگاپور جایگاه نخست را در سال ۲۰۱۳ برای پذیرش نیروی کار متخصص به‌دست آورده است. این جایگاه بر حسب قوانین مهاجرت، کیفیت سطح زندگی، کارآمدی بازار کار، توانایی حوزه کسب و کار برای جذب نخبگان و زیرساخت این کشور به‌دست آمده است (The Boston Consulting Group, 2014).

خیز کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای جذب افراد ماهر و باهوش حکایت از تحولات آینده در دگرگونی الگوهای سرمایه دارد؛ به عبارت روشن‌تر، سرمایه انسانی مهم‌ترین شکل سرمایه مورد نیاز برای دستیابی به اهداف توسعه مد نظر است. در شکل ۱۰ نیاز مناطق جغرافیایی متفاوت شامل آمریکا، اروپا، آسیا و اقیانوسیه به نیروی کار ماهر و با استعداد تا سال ۲۰۳۰ نشان داده شده است. به

استثنای کشورهای برزیل و سوئد، سایرکشورها در بخش‌های مختلف از قبیل تولید، عمران، حمل و نقل، تجارت، هتلداری، خدمات مالی، بهداشت، آموزش و نیازمند جذب افراد ماهر و با استعداد هستند (The Boston Consulting Group, 2014).



شکل ۹: توانایی جذب متخصصان خارجی در کشورهای مختلف

مطابق گزارشی که سازمان ملل متحد و OECD در سال ۲۰۱۳ منتشر کرده‌اند، از میان ۸۴۵ هزار مهاجر ایرانی مقیم کشورهای عضو OECD، ۴۲۴ هزار نفر تحصیلات دانشگاهی دارند (OECD-UNDE-SA, 2013). براساس این آمار، حدود ۵ درصد مهاجران ایرانی مقیم کشورهای عضو OECD جزو افراد تحصیل کرده هستند. تعداد مهاجران تحصیل کرده ساکن در کشورهای عضو OECD بر حسب تابعیت این افراد در منطقه آفریقا و آسیا مطابق جدول ۱ مشخص شده است.

اگرچه آمار دقیقی در خصوص تعداد مهاجران ایرانی در خارج از کشور در اختیار نیست، با توجه به آمار ارائه شده سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، بانک جهانی، سازمان ملل و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، تعداد چشمگیری از متخصصان ایرانی برخوردار از آموزش‌های عالی در خارج از کشور زندگی می‌کنند. نکته مهم‌تر آن است که آیا این افراد صرف نظر از اقامت کوتاه مدت یا طولانی مدت در خارج از کشور توانسته‌اند در چرخه خدمت به جامعه خود قرار گیرند؟ آیا موضوع بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه امکان پذیر است؟ در ادامه تجربه دو کشور هندوستان و چین در این خصوص بررسی شده است.



شکل ۱۰: ماتریس استعداد کشور-صنعت، چالش آینده در بازار کارگران متخصص

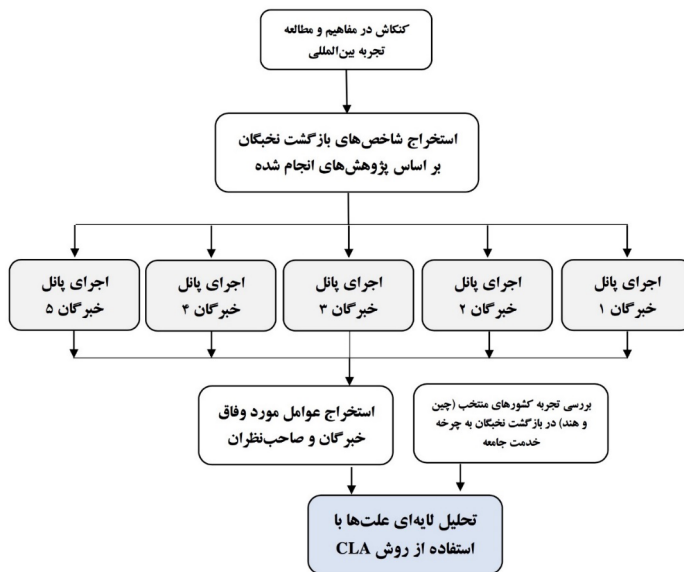
جدول ۱: تعداد مهاجران تحصیل کرده در میان کل مهاجران بین المللی ساکن در کشورهای عضو OECD

کشور مبدأ	کل جمعیت			جمعیت زنان			کشور/صنعت
	جمعیت مهاجر (هزار نفر)	جمعیت مهاجر با تحصیلات عالی	میزان مهاجر با تحصیلات عالی	جمعیت مهاجر با تحصیلات عالی	میزان مهاجر با تحصیلات عالی	نرخ مهاجرت افراد با تحصیلات عالی	
آسیا	۲۶۳۲۹	۱۰۴۳۶	۰٫۹	۱۳۶۷۸	۵۲۷۶	۰٫۹	۳٫۷
چین	۳۸۶۲	۱۶۵۵	۰٫۴	۲۱۰۳	۸۷۱	۰٫۴	۲٫۲
هندوستان	۳۴۴۱	۲۰۸۰	۰٫۴	۱۶۱۳	۹۲۳	۰٫۴	۳٫۸
فیلیپین	۲۸۵۴	۱۴۱۷	۴٫۵	۱۷۶۴	۹۰۴	۵٫۵	۸٫۹
ترکیه	۲۵۵۰	۲۵۱	۴٫۳	۱۲۲۴	۱۰۴	۴٫۲	۳٫۸
ویتنام	۱۸۷۹	۵۲۴	۲٫۸	۹۸۹	۲۵۰	۲٫۹	۱۰٫۸
جمهوری کره	۱۴۵۳	۶۳۷	۳٫۴	۸۲۳	۳۴۳	۳٫۹	۴٫۶
پاکستان	۱۰۸۸	۳۷۸	۱	۴۶۸	۱۴۳	۰٫۸	۵٫۶
قزاقستان	۹۳۵	۱۳۴	۷٫۴	۵۰۰	۷۸	۷٫۵	۷٫۴
ایران	۸۴۵	۴۲۴	۱٫۵	۳۸۴	۱۸۵	۱٫۴	۳٫۸
ژاپن	۶۶۰	۳۷۱	۰٫۶	۴۱۶	۲۲۷	۰٫۷	۱٫۱
عراق	۵۵۵	۱۵۱	۲٫۷	۲۴۷	۶۵	۲٫۴	۷٫۱
سريلانكا	۵۵۳	۱۶۸	۳٫۲	۲۶۱	۷۱	۳٫۱	۴٫۴
بنگلادش	۵۲۸	۱۷۹	۰٫۵	۲۲۰	۶۳	۰٫۴	۳٫۱
تایلند	۵۱۵	۱۵۳	۱	۳۷۴	۱۰۵	۱٫۴	۳٫۲
افغانستان	۳۴۷	۷۱	۱٫۸	۱۵۵	۳۱	۱٫۶	۱۱٫۴

۶. عوامل مؤثر بر بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه

روش انجام دادن کار

به منظور پرداختن به پرسش اصلی پژوهش سه گام اصلی تعریف شد. در گام اول تجربه جهانی در خصوص بازگشت معکوس و به خدمت گرفتن نخبگان در چرخه جامعه بررسی و پژوهش‌های مرتبط با موضوع مطالعه و تحلیل شد. مهم‌ترین این تجربه‌ها مربوط به دو کشور چین و هندوستان است. در انتهای گام اول شاخص‌هایی استخراج شدند که متخصصان بازگشته به وطن بر آنها تأکید داشتند. با توجه به مسئولیتی که در بنیاد نخبگان کشور داشتیم و کارگاه‌هایی که مرتبط با همین موضوع در استان‌های مختلف برگزار می‌کردیم، برنامه‌ریزی صورت گرفت تا در ۵ مورد از این کارگاه‌ها، در پانلی با حضور صاحب‌نظران درباره عوامل شناسایی شده از تجربه جهانی بحث و بررسی صورت گیرد. خروجی‌های هر پانل در انتهای گام تلفیق و در نهایت، عوامل مورد وفاق خبرگان و صاحب‌نظران شناسایی شدند. به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع، این عوامل به صورت لایه‌ای و با استفاده از روش CLA، که روش سه‌پیل عنایت‌اله (Inayatullah, 2017) در تحلیل مسائل اجتماعی است، چارچوب‌بندی شد. گام‌های اجرای کار و مراحل آن در شکل ۱۱ نشان داده شده است.



شکل ۱۱: مراحل انجام کار

پنج پانل برگزار شده در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، بیرجند و زنجان بود و ترکیب اعضای شرکت کننده در پانل‌ها شامل رئیس بنیاد نخبگان هر استان، اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های برتر شهرهای مذکور بوده است.

۷. بازگشت معکوس: بررسی تجربه کشورهای منتخب

در بخش اول پژوهش به مفاهیم و آمارهای مهاجرت نخبگان پرداخته شد. پرسش اصلی پژوهش امکان سنجی بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه و شناسایی عوامل مهم برای عملیاتی کردن این کار است. در بخش دوم تجربه دو کشور چین و هندوستان بررسی شد، دو کشوری که در آنها مهاجرت معکوس اتفاق افتاده است. داده‌های بازگشت نخبگان این دو کشور جمع‌آوری و تحلیل شدند. دو کشور هندوستان و چین طی چند دهه گذشته در صدر کشورهای فرستنده مهاجر بین‌المللی قرار داشته‌اند. اما در سال‌های اخیر بازگشت معکوس نخبگان به کشورهای مذکور به یکی از روندهای مهم و مورد توجه کشورهای مقصد و مبدأ مهاجران چینی و هندوستانی تبدیل شده است. کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا و کانادا که با موج خروج نخبگان چینی و هندوستانی و بازگشت آنها به کشور مبدأ روبه‌رو هستند، دلنگران از دست دادن نیروی کار و مغزافزاهایی هستند که در تولید ناخالص داخلی این کشورها تأثیر بسزایی داشته‌اند.

شواهد نشان می‌دهد که تعداد زیادی نیروی کار ماهر از کشور آمریکا به کشورهای هندوستان و چین بازگشته‌اند. تعداد بازگشت این افراد در هر سال بیش از ده‌ها هزار نفر است. برای مثال، مطابق برآورد وزارت آموزش و پرورش چین تعداد چینی‌های خارج از کشور که در سال ۲۰۰۹ میلادی به این کشور بازگشته‌اند، حدود ۱۰۸ هزار نفر بوده است. این آمار در مقایسه با سال ۲۰۰۸ نشان‌دهنده افزایش ۵۶/۲ درصدی بوده است. در سال ۲۰۱۰ این تعداد به بیش از ۱۳۴٫۸۰۰ نفر رسیده است (Wadhwa et al., 2011).

پژوهشی درخصوص بررسی روند بازگشت معکوس نخبگان به کشورهای هندوستان و چین در سال ۲۰۱۰ انجام گرفت. در بخشی از این پژوهش یک نظرسنجی برخط با مشارکت ۱۵۳ متخصص هندوستانی و ۱۱۱ متخصص چینی در فاصله زمانی ماه سپتامبر سال ۲۰۱۰ تا مارس ۲۰۱۱ انجام شد. مشارکت کنندگان کسانی بودند که در کشور آمریکا کار کرده یا پس از دانش‌آموختگی در آمریکا به کشورهای خود بازگشته بودند. برای اجرای این تحقیق از شبکه اجتماعی تخصصی LinkedIn که بیش از ۹۰ میلیون متخصص در سرتاسر جهان عضو آن هستند، استفاده شد. علاوه بر این، بخشی از اطلاعات از طریق پست الکترونیکی و تماس تلفنی جمع‌آوری شد. همچنین از چند انجمن علمی در کشورهای هندوستان و چین و ارتباط از طریق شبکه‌های آنها با جامعه هدف استفاده شد. مهم‌ترین نکات برگرفته از این نظرسنجی به شرح زیر بررسی شده است. مهم‌ترین پرسش‌های مطرح شده در این نظرسنجی عبارت‌اند از:

- چرا این کارآفرینان از کشور آمریکا به کشورهای هندوستان و چین بازگشتند؟
- آنان چه برداشتی از کارآفرینی در کشورهای خود دارند؟
- از نظر این افراد مزایا و معایب کار در کشورهای هندوستان و چین در مقایسه با کشور آمریکا چیست؟
- آیا آنها روابط فراملی خود را پس از بازگشت از کشور آمریکا حفظ کرده‌اند؟

- کارآفرین در شرکت خود در کشور هندوستان/چین برای حداقل یک سال در بازه زمانی این نظرسنجی مدیر بوده است (بدین منظور که پاسخ دهنده بتواند چالش‌ها و مزایای مدیریت یک شرکت در کشورهای هندوستان و چین را منعکس کند)؟
 - آیا قبل از بازگشت به کشور هندوستان/چین مخاطب در امریکا به صورت تمام وقت به عنوان دانشجو در مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد تحصیل کرده یا دست کم در این کشور برای یک سال کار کرده است؟
- مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است (Wadhwa et al., 2011):
- متوسط سن پاسخ‌دهندگان هندوستانی و چینی سی و هفت سال بود.
 - ۹۳ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۸۹ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی مرد بودند.
 - به طور متوسط، پاسخ‌دهندگان هندوستانی حدود ۱/۸ سال و پاسخ‌دهندگان چینی حدود ۴/۲ سال در کشور امریکا در حال تحصیل بوده‌اند. هندوستانی‌ها به عنوان متخصص به طور متوسط ۵ سال و چینی‌ها حدود ۴/۹ سال در کشور امریکا زندگی کرده بودند.
 - ۵۶ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۲۴ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی که به کشور خود بازگشته‌اند، با خانواده‌های خود به کشور امریکا نقل مکان کرده بودند و به اتفاق آنها به کشورهای خود بازگشتند.
- ویژگی شرکت‌هایی که مهاجران کشورهای هندوستان و چین پس از بازگشت در آنجا مشغول به کار شدند، به شرح زیر است (Wadhwa et al., 2011: 4):
- سابقه فعالیت بیشتر شرکت‌های افتتاح شده توسط افرادی که به کشور خود بازگشته بودند، کمتر از پنج سال بود.
 - ۲۶ درصد شرکت‌ها متعلق به پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۱۰ درصد متعلق به پاسخ‌دهندگان چینی بوده است.
 - ۵۶ درصد از شرکت‌های هندوستانی و ۳۳ درصد از شرکت‌های چینی در بخش فناوری اطلاعات و سایر شرکت‌ها در طبقه‌بندی گسترده‌ای از صنایع مشغول به کار بوده‌اند.
 - عمده این شرکت‌ها در شهرهای کوچک کشورهای هندوستان و چین راه‌اندازی شده‌اند.
 - ۷۰ درصد از شرکت‌های هندوستانی و ۶۴ درصد از شرکت‌های چینی ۲ تا ۵۰ کارمند داشتند. ۱۶ درصد از شرکت‌های چینی و هندوستانی بیش از ۱۰۰ کارمند داشتند.
 - ۸۶ درصد از شرکت‌های هندوستانی و ۷۳ درصد از شرکت‌های چینی در ابتدا از رهگذر پس‌انداز شخصی نخبگان تازه برگشته به کشور تأمین مالی شده‌اند.
- مهم‌ترین دلایل بازگشت نخبگان کشورهای چین و هندوستان به کشورشان مطابق پژوهش انجام شده آداب و رسوم، فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به بازارهای محلی و روابط خانوادگی به شرح زیر

است (Wadhwa et al., 2011):

- به‌زعم بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی در دسترس بودن فرصت‌های اقتصادی در کشور خود عامل بسیار مهمی در بازگشت آنها به میهن بوده است.
 - ۷۸ درصد از متخصصان چینی که به کشور خود بازگشته‌اند، دسترسی به بازارهای محلی را عامل بازگشت خود اعلام کرده‌اند. همین آمار برای متخصصان هندوستانی ۵۳ درصد است.
 - ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی و ۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی روابط خانوادگی را به‌عنوان انگیزه بازگشت به کشور خود مطرح کرده‌اند.
 - بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی احساسات ملی، میهن‌پرستی و کمک به توسعه اقتصادی کشور خود را عامل مهم بازگشت اعلام کرده‌اند.
 - مشوق‌های دولت چین در مقایسه با دولت هندوستان نقش مؤثرتری در بازگشت نخبگان به کشور داشته است. ۴ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی به این مورد پاسخ مثبت داده‌اند، اما ۲۳ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی این گزینه را عامل بازگشت دانسته‌اند.
 - در این نظرسنجی در تصمیم‌گیری‌ها برای بازگشت، عامل ویزا فقط برای ۹ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و چینی مهم بوده است.
- بنابراین، در بازگشت متخصصان و نخبگان به چرخه خدمت طیفی از عوامل ملموس تا ناملموس اثرگذار است؛ به‌عبارت روشن‌تر، کسب درآمد، ارزش افزوده اقتصادی و بهره‌برداری از فرصت‌های کسب و کار در زمره عوامل ملموس و حس میهن‌پرستی و کمک به توسعه کشور جزو عوامل ناملموس محسوب می‌شوند. نکته مهم، تلاش دولتمردان هندوستانی و چینی برای تحقق زمینه‌های عینی و آشکار و ذهنی و پنهان مورد نیاز به‌منظور ترغیب بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به این کشورهاست.
- مقایسه وضعیتی که نخبگان کشورهای هندوستان و چین در کشور آمریکا تجربه کرده بودند و وضعیتی که پس از بازگشت به کشور خود تجربه می‌کنند، مؤید این مهم است (Wadhwa et al., 2011):
- ۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۸۱ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی معتقد بودند که فرصت شروع کسب و کار در کشورهای خود بسیار بهتر از کشور آمریکا است. فقط ۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی پاسخ دادند که این فرصت در کشور آمریکا بهتر است.
 - ۵۴ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۶۸ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی معتقد بودند که سرعت رشد حرفه‌ای و تخصصی در کشورشان از کشور آمریکا بهتر است.
 - ۵۶ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۵۹ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی کیفیت زندگی در کشور خود را عامل بازگشت دانسته و بیان کرده‌اند که امکاناتی که در کشور خود از آنها بهره

می‌برند، بسیار بیشتر از آن چیزی است که در کشور آمریکا از آن برخوردار بودند. به ترتیب ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی امکانات زندگی در کشور آمریکا را بهتر ارزیابی کرده‌اند.

● ۶۴ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۸۳ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی معتقد بودند که به رسمیت شناختن حرفه آنها در کشورهای خود یکسان یا بهتر از کشور آمریکا است. به ترتیب ۳۴ و ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که حرفه آنها در ایالات متحده بهتر به رسمیت شناخته شده است.

بنابراین، بازگشت افراد غیرمقیم در کشور به چرخه خدمت به جامعه در کشورهای هندوستان و چین ناظر بر به وجود آمدن شرایط در این کشورهاست که حتی در مقایسه با شرایط کشورهایمانند آمریکا از مزیت بیشتری برخوردار هستند. برخی از این مزیت‌ها به‌زعم نخبگان کشورهای هندوستان و چین که به کشور خود بازگشته‌اند، عبارت است از (Wadhwa et al., 2011):

● هزینه‌های عملیاتی پایین‌تر مهم‌ترین مزیتی است که موجب بازگشت کارآفرینان هندوستانی به کشور و دسترسی به بازارهای محلی مهم‌ترین مزیتی است که موجب بازگشت کارآفرینان چینی بوده است.

● در کشور هندوستان ۷۵ درصد عامل هزینه‌های عملیاتی و ۷۲ درصد عامل دستمزد کارکنان از مزایای بسیار مهم برشمرده شده است.

● در کشور چین ۷۶ درصد دسترسی به بازارهای محلی به‌عنوان عامل بسیار مهم ذکر شده است. این معیار در کشور هندوستان ۶۴ درصد است.

● ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی در دسترس بودن کارگران واجد شرایط را به‌عنوان مزیتی مهم در نظر گرفته‌اند.

● پاسخ‌دهندگان هندوستانی و پاسخ‌دهندگان چینی هر دو (به ترتیب ۵۵ درصد و ۵۳ درصد) خلق و خوی خوب در کشورهای خود را مزیت بسیار مهمی دانسته‌اند.

● پاسخ‌دهندگان چینی به مراتب بیشتر از پاسخ‌دهندگان هندوستانی حمایت‌های دولت را عامل بسیار مهم دانسته‌اند (۷٪ از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۳۱٪ از پاسخ‌دهندگان چینی).

● تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان هندوستانی (۳۱ درصد) و پاسخ‌دهندگان چینی (۳۵ درصد) زیرساخت‌های کشور خود را به‌عنوان عامل بسیار مهم ذکر کرده‌اند.

● ۶۴ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی گفته‌اند که میزان دستمزد در کشور آمریکا بهتر از کشورشان بوده است. فقط ۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی اظهار داشتند که میزان دستمزد در کشورشان مشابه با کشور آمریکا است.

● ۸۱ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۹۱ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی شبکه‌های کسب و

- کار در کشورشان را بسیار مهم ارزیابی کرده‌اند.
- شبکه‌های شخصی و خانوادگی به‌عنوان عامل بسیار مهم در نظر بیشتر پاسخ‌دهندگان چینی (۷۴ درصد) و پاسخ‌دهندگان هندوستانی (۶۰ درصد) بوده است.
 - معمولاً پاسخ‌دهندگان هندوستانی کمتر (۲۸ درصد) روابط با مقامات دولتی را نسبت به پاسخ‌دهندگان چینی (۴۸ درصد) به‌عنوان عامل بازگشت ذکر کرده‌اند.
 - ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان هندوستانی و ۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان چینی نقش شبکه‌های دانش‌آموختگان را عامل بسیار مهم در بازگشت به کشورشان دانسته‌اند.
- مطابق بررسی انجام شده، به‌رغم تفاوت‌هایی که در انگیزه بازگشت هندوستانی‌ها و چینی‌ها به کشورهای خود وجود دارد، وجوه مشترکی نیز به چشم می‌خورد. بیشترین افراد مرد هستند و بسیاری از آنها با پس‌انداز شخصی و بودجه خانواده و دوستان خود کسب و کاری راه‌اندازی کرده‌اند. کسب و کار آنها کوچک، نسبتاً جدید و دارای موانع کمی در راه ورود به بازارهای IT و بخش‌های خدماتی است. آنها شناسایی فرصت‌های اقتصادی، فرصت برای شروع یک کسب و کار و سرعت رشد حرفه‌ای را به‌عنوان انگیزه‌های پیش‌رو برای بازگشت به خانه می‌دانستند، اگرچه عوامل دیگری از جمله هزینه‌های پایین‌تر راه‌اندازی کسب و کاریا مزایای دولتی، انقضای ویزای کشور آمریکا و فرصتی به‌منظور کمک به توسعه اقتصادی داخلی جزو انگیزه‌های اصلی آنها برای بازگشت به کشورشان بوده است.
- برای پاسخ‌دهندگان هندوستانی روابط خانوادگی و برای پاسخ‌دهندگان چینی دسترسی به بازار بزرگ داخلی از مهم‌ترین انگیزه‌های بازگشت بوده است. واضح است که رشد سریع اقتصاد چین و هندوستان و فرصت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی که در دهه‌های قبل وجود نداشت، ایجاد شده است. علاوه بر این، در هر دو مورد، زمان این «بازگشت معکوس نخبگان» مربوط به دوره‌های رکود اقتصادی در ایالات متحده است که موجب کاهش فرصت‌های حرفه‌ای برای مهاجران شده بود.
- کارآفرینان بازگشتی هر دو کشور عواملی مانند هزینه‌های پایین‌تر، حقوق پایین‌تر و دسترسی به بازار داخلی را به‌عنوان مهم‌ترین مزایای کسب و کار در خانه در مقایسه با کشور آمریکا اعلام کرده‌اند. نیروی کار ارزان و آداب و رسوم هر دو کشور نیز از مزایای پیش‌روی نخبگان برای بازگشت بوده است. البته، متخصصان و رسانه‌ها اغلب نقش سیاست‌های دولتی را در جذب یا دفع نخبگان دخیل می‌دانند. نقش و اهمیت حمایت دولت‌ها برای بازگشت نخبگان پررنگ است و نتایج نظرسنجی انجام شده این مهم را تأیید می‌کند. به‌رغم نقش دولت در زمینه‌سازی بازگشت نخبگان به چرخه خدمت نباید از نقش مهم شبکه‌های کسب و کار، شخصی، خانوادگی و دانش‌آموختگان در داخل و خارج از کشور غافل شد. برای کارآفرینان هندوستانی و چینی حمایت دولتی در مرتبه پایین‌تری نسبت به شبکه‌های مذکور قرار دارد.

میزان ارتباط میان کشورهای هندوستان و چین با کشور آمریکا بر پویایی و حفظ روند بازگشت نخبگان به این کشورها بسیار اثرگذار است. کارآفرین هندوستانی و چینی به اعتبار شبکه‌سازی صورت گرفته با هم‌تایان خود در کشوری مانند آمریکا که در سایه روابط سیاسی دو کشور محقق شده است، نیازی ندارد تا برای استفاده از فرصت‌های کسب و کار در کشور آمریکا به این کشور مهاجرت کند، بلکه با حفظ ارتباط خود با بازارهای این کشور، جهانی فکر می‌کند و محلی اقدام می‌کند. به طوری که ارتباط بین کارآفرینان در مناطقی مانند بنگلور و پکن و کارآفرینان کشور آمریکا فرصتی برای رشد و سودمندی نه تنها طرف چینی و هندوستانی، بلکه طرف آمریکایی فراهم می‌سازد. سودهای حاصل از مشارکت‌های نامتمرکز، همکاری متقابل منطقه‌ای و حمایت از نوآوری در اقتصاد جهانی موجب می‌شود تا روابطی پویا و مثبت در محل کار دیده شود. این روابط پویا در محل کار را در روابط بین کارآفرینان و مؤسسات در تایوان و سیلیکون ولی می‌توان دید.

مطابق این بررسی بازگشت کارآفرینان و متخصصان به کشور خود نه به دلیل سیاست‌های دولتی، بلکه به دلیل اهمیت اصلاحات اخیر اقتصادی و سیاسی در کشورهای هندوستان و چین بوده است.

۸. عوامل مؤثر بر بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه

بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی تجارب جهانی طیفی از عوامل مادی / ملموس و معنوی / ناملموس موجب تحرک پذیری، جابه‌جایی و مهاجرت متخصصان و نخبگان از یک کشور به کشورهای دیگر می‌شود. در ادامه تلاش شده است تا چارچوب مفهومی به کارگرفته شده در تحلیل عوامل مذکور به شکلی نظام‌مند و با تأکید بر آینده‌نگری تحلیل شوند. از این رو، به اختصار روش تحلیل لایه لایه علت‌ها که توضیح دهنده عوامل مؤثر هستند، معرفی شده است.

روش تحلیل لایه لایه علت‌ها

تحلیل لایه لایه علت‌ها^۱ یکی از روش‌های نوین آینده‌پژوهی است. این روش امکان طراحی فضاهای تحول را برای خلق آینده‌های بدیل مهیّا می‌کند. تحلیل لایه لایه علت‌ها شامل چهار سطح است: لیتانی، علت‌های اجتماعی، گفتمان / جهان بینی و اسطوره / استعاره. روش CLA مبتنی بر این فرض است که مسیر شکل دادن به یک مسئله موجب تغییر راه‌حل سیاسی و بازیگران مسئول خلق تحول می‌شود. در ادامه سطوح و علت‌های شکل دهنده به آینده مطابق این روش توضیح داده شده است (Inayatullah, 1998).

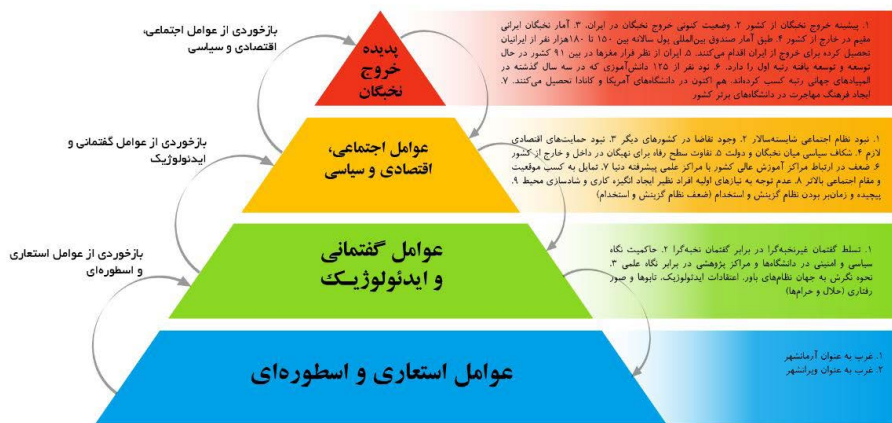
سطح نخست «لیتانی» است که روندها و مسائل کمی هستند و اغلب در خصوص آنها مبالغه شده است تا اغلب برای اهداف سیاسی استفاده شوند و معمولاً رسانه‌های خبری به آنها می‌پردازند.

رویدادها، مسائل و روندها ارتباطی با هم ندارند و به نظر ناپیوسته می‌آیند. نتیجه آن اغلب احساس ناتوانی (چه کار می‌توانم انجام دهم) یا عجز و درماندگی (هیچ کاری نمی‌توان انجام داد) یا اقدام برآورد شده است (چرا آنها، معمولاً منظور از آنها «دولت» است، در این مورد کاری نمی‌کنند). این یک سطح متعارف از آینده‌پژوهی است که به سرعت به خلق سیاست ترس و بیم منجر می‌شود. در خصوص مهاجرت نخبگان اطلاعات زیادی در این لایه مطرح شده است و همچنان مطرح می‌شود. به‌رغم تنوع و گاهی تضادی که در آمارها دیده می‌شود، همچنان همین آمار متنوع و متضاد منبع ارجاع مسئولان در لایه حکمرانی و مردم در لایه اجتماعی می‌شود.

سطح دوم در خصوص علت‌های اجتماعی، از جمله عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است و داده‌های کمی تعبیر می‌شوند. این نوع تحلیل را معمولاً نهادهای سیاستی ارائه می‌کنند و به‌عنوان سرمقاله در روزنامه‌ها یا نشریات که کاملاً دانشگاهی نیستند، انتشار می‌یابند. این سطح فراتر از شرح‌های فنی و همچنین تحلیل دانشگاهی است. اغلب در این سطح نقش دولت و بازیگران دیگر و منافع آنها بررسی می‌شود. برای مثال، طرح نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای به‌کارگیری و جذب متخصصان و نیروهای آموزش‌دیده و ماهر از جمله دلایلی است که ذیل این لایه در تبیین مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از کشور مطرح و در باره آن مقالات و آثار متعددی نوشته شده است. سطح عمیق‌تر سوم به ساختار و گفتمان / جهان‌بینی پشتیبان و مشروع‌ساز آن ارتباط دارد. در این سطح به یافتن ساختارهای عمیق‌تر اجتماعی، زبانی و فرهنگی پرداخته می‌شود که مستقل از هر بازیگر است (به بازیگران وابسته نیست). تشخیص فرض‌های عمیق‌تر پشت مسئله مهم است، چرا که تلاش‌هایی برای بازنگری مسئله صورت می‌گیرد. در این مرحله می‌توان به اکتشاف این مسئله پرداخت که چگونه گفتمان‌های مختلف (اقتصادی، مذهبی و فرهنگی) به حوزه‌ای فراتر از علت یا میانجی‌گری یک مسئله و به چگونگی استفاده از گفتمان برای درک مسئله می‌پردازند و در چارچوب‌بندی ما از مسئله نقش دارند. با توجه به گفتمان‌های مختلف، می‌توان سناریوهای بدیل و مجزایی را طرح کرد. طرح گفتمان نوگرایی در برابر سنت‌گرایی از جمله موارد مطرح شده در این خصوص است که می‌تواند بر آهنگ مهاجرت نخبگان اثرگذار باشد.

لایه چهارم تحلیل درباره سطح استعاره یا اسطوره است. آنها داستان‌های عمیق، مثال‌های جمعی، ابعاد ناخودآگاه مسئله یا تناقض هستند. این سطح یک تجربه سطح مراد / احساسی برای جهان‌بینی مورد تحقیق فراهم می‌سازد. زبان استفاده شده کمتر تخصصی است و بیشتر به یادآوری تصاویر دیداری و لمسی قلب به جای خواندن ذهن می‌پردازد. همان‌گونه که در ادامه توضیح داده شده است، لحاظ کردن کشورهای توسعه‌یافته مغرب زمین به مثابه مدینه فاضله موضوعی بوده است که از آغاز گسترش نوحواهی در جامعه ایران همچنان مورد توجه افراد جامعه ایران صرف‌نظر از علایق دینی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است.

ساختاربندی عوامل شناسایی شده با روش تحلیل لایه لایه علت‌ها خروج نخبگان ایرانی از چرخه خدمت به جامعه مورد اجماع نظر نه تنها متخصصان، بلکه دولتمردان کشور است. ایجاد عزم ملی برای معکوس کردن بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه از طریق ایجاد گفتمان و نیز نهادهای ملی همچون بنیاد ملی نخبگان جلوه مهمی از این اجماع نظر است. اگر چه بررسی تجربه کشورهای چین و هندوستان بیانگر امکان پذیر بودن بازگشت افراد سرآمد به چرخه خدمت به جامعه است، ارائه تجویزهای مؤثر برای ایجاد این جریان معکوس از رهگذر یک عامل امکان‌پذیر نیست. این پیچیدگی را از نظر مفهومی می‌توان به صورت لایه لایه و در طیفی از عوامل عینی تا ذهنی مطابق شکل ۱۲ دسته‌بندی کرد.



شکل ۱۲: مدل مفهومی لایه‌های شکل‌دهنده به خروج نخبگان از چرخه خدمت

مطابق روش لایه‌ای علت‌ها پدیده خروج نخبگان از چرخه خدمت به جامعه مسئله‌ای است که کاملاً غیبیت دارد و همگی درباره آن اتفاق نظر دارند. اما به منظور فهم عوامل مؤثر بر این لایه عینی لازم است نگاهی عمیق‌تر به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این پدیده داشت. مطابق این شکل هر لایه بازتابی از لایه عمیق‌تر است. در ادامه این عوامل به اجمال بررسی شده‌اند.

الف. لایه عینی ناظر بر اجماع نظر در خصوص آمار خروج نخبگان از چرخه خدمت به جامعه و نیز تعداد متخصصان ایرانی مقیم خارج از کشور است.

- روند خروج نخبگان از کشور: تحلیل این روند بیانگر آن است که طی دو دهه گذشته خروج دانش‌آموختگان و دانشجویان در رشته‌های فنی-مهندسی و پزشکی در قالب موضوع مهاجرت نخبگان در میان کارگزاران نظام حکمرانی و عموم مردم جامعه توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در ادامه تلاش شده است با تکیه بر آمار دو تن از مسئولان وقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابعاد عینی و ملموس این موضوع

مشخص شود. به گزارش مدیرکل امور دانشجویان داخل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی سال‌های اخیر سالانه حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه‌های صنعتی شریف، صنعتی اصفهان، تهران، صنعتی امیرکبیر، علم و صنعت و فردوسی مشهد، بیشترین مراجعه را برای تأیید مدارک به منظور تحصیل در خارج از کشور به اداره کل مذکور مراجعه کرده‌اند (Motiei, 2017).

شاهین آخوندزاده، قائم مقام معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گزارشی اعلام کرد که روند مهاجرت نخبگان بخش سلامت سیر صعودی بیافته است. وی مدعی شد با نگاهی به اسامی دانش‌آموزان المپیادی کشور که در سالیان اخیر به دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، ایران و شیراز وارد شده‌اند، درمی‌یابیم که بسیاری از آنان اکنون در کشور حضور ندارند. دانشجویان ممتاز سال پایینی نگاه می‌کنند که نفرات برتر سال بالایی چه کرده‌اند و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا همان راه را طی کنند. نهادینه شدن این فرهنگ در دانشگاه‌های علوم پزشکی برتر کشور می‌تواند تبعات و لطمات جبران‌ناپذیری را به بدنه سلامت کشور وارد کند (Akhondzadeh, 2016).

● وضعیت کنونی روند مهاجرت نخبگان و تحصیل‌کردگان در ایران: به‌رغم دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متعارض که در کشور در خصوص آهنگ مهاجرت نخبگان وجود دارد، داده‌ها و گزارش‌ها بیانگر آن است که نوعی اجماع نظر در خصوص موضوع مهاجرت متخصصان به خارج از کشور وجود دارد، هر چند در خصوص کمیت و کیفیت آن تفاوت دیدگاه وجود دارد. در سال ۱۳۹۷ پژوهشکده سیاستگذاری، علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف در گزارشی با تأکید بر جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان و تحصیل‌کردگان وضعیت و روند مهاجرت متخصصان و آموزش‌دیدگان نظام آموزش عالی ایران را در سطح تحلیل جهانی بررسی و مقایسه کرده است. نکته حایز اهمیت آن است که اگر چه در این گزارش نشان داده شده است که ایران جزو کشورهای اصلی مهاجرفرست لحاظ نمی‌شود، در عین حال، بر تداوم روند مهاجرت در این گزارش نیز تأکید شده است (Sharif University, 2018).

● مطابق بررسی یکی از خبرگزاری کشور طبق آمار صندوق بین‌المللی پول سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل‌کرده برای خروج از ایران اقدام می‌کنند؛ نود نفر از ۱۲۵ دانش‌آموزی که در سه سال گذشته در المپیادهای جهانی رتبه کسب کرده‌اند، هم اکنون در دانشگاه‌های آمریکا و کانادا تحصیل می‌کنند و جایگاه ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته رتبه اول است (Tabnak News, 2012).

این دسته از اطلاعات عمدتاً در صفحات مجلات و برای برجسته‌تر کردن موضوع مهاجرت نخبگان ارائه می‌شوند. گاهی در نمایش اطلاعات بزرگنمایی صورت می‌گیرد یا فقط بخشی از داده‌های واقعی نمایش داده می‌شوند.

ب. عوامل اجتماعی مؤثر بر لایه عینی عبارت‌اند از:

- شکاف طبقاتی و دشواری امکان تحرک اجتماعی برای نخبگان. با توجه به نرخ تورم در کشور، وضعیت پرداخت دستمزدها و هزینه‌های جاری زندگی برای متخصصان و دانش‌آموختگان دانشگاهی امکان دستیابی به موضوعات اساسی همچون مسکن، خودرو و خوراک را دشوار ساخته است. در این خصوص قاسم احمدی لاشکی، نایب رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده که مهاجرت اعضای هیئت علمی و جذب آنان در سایر کشورها در سال ۱۳۹۸ به خطری جدی تبدیل شده است. وی مدعی شده است حقوقی که به عضو هیئت علمی دانشگاه پرداخت می‌شود، ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تا ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان؛ یعنی مبلغی حدود ۳۵۰ دلار است، در حالی که در خارج از کشور به آنها ۲۵۰۰ دلار پرداخت می‌شود. بنابراین، مسلم است که چنین فردی کار کردن در خارج از کشور را ترجیح می‌دهد و به مهاجرت روی می‌آورد (Ahmadi Lashki, 2019).
- بی‌کاری؛ محمدعلی برخورداری، رئیس وقت دانشگاه علم و صنعت ایران، در مصاحبه‌ای بیان کرد که دانشجویان و دانش‌آموختگان را نمی‌توان با حرف قانع کرد و بگوییم بعد از ادامه تحصیل به ایران بیا و به کشور خدمت کن! زیرا نخبگان از خود می‌پرسند مگر چه امتیازاتی برایمان در ایران وجود دارد؟ متأسفانه، کشور ایران در زمینه اشتغال قشر دانشجویی و دانشگاهی ضعیف است و شاید دلیل اصلی بازنگشتن نخبگان همین باشد (Barkhordari, 2017).
- روزآمد نبودن امکانات علمی، آزمایشگاهی و فناوریانه؛ متناسب نبودن امکانات آزمایشگاهی و علمی مورد نیاز محققان از جمله دلایلی است که موجب خروج این افراد از کشور می‌شود.
- هماهنگ نبودن تخصص و توان دانش‌آموختگان با نیازهای کشور؛ افزایش کمی تعداد دانش‌آموختگان در حوزه‌های تخصصی متفاوت و مهیا نبودن امکان جذب این افراد موجب شده است تا افراد تحصیل کرده در موقعیت‌های شغلی نامتناسب جذب شوند و این موضوع یکی از عوامل مؤثر بر مهاجرت آنها به خارج از کشور است (Assar, 2017).
- ناباوری به علم و دستاوردهای علمی و نبود نظام تقاضا برای خدمات علمی موجب شده است تا به تدریج اعتماد مردم و جامعه ایران به دانشگاه و اثربخشی این نهاد و کارگزاران آن که اعضای هیأت علمی و پژوهشگران هستند، کاهش پیدا کند (Hashemi, 2017).
- ناهمگونی فرهنگی و سیاسی برخی از متخصصان و دانش‌آموختگان داخل کشور با ارزش‌های حاکم بر جامعه موجب جدایی و انزوای این افراد از متن اصلی جامعه و در نتیجه، باانگیزه شدن آنها برای مهاجرت می‌شود (Hakimzadeh, 2013).
- مدارک‌گرایی یکی از عوامل مؤثر در گسترش آموزش دانش‌آموختگان دارای مدارک تحصیلات تکمیلی همچون کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی بوده است. ناتوانی در جذب این افراد

موجب گسترش مهاجرت افراد جذب نشده در فرایند خدمت به کشور شده است (Science & Technology News, 2017).

این دسته از عوامل ناظر بر مشکلات ساختاری است که متخصصان به‌عنوان دلایل مهاجرت و خروج نخبگان به آنها اشاره کرده‌اند.

پ. عوامل گفتمانی شکل دهنده به عوامل اجتماعی و عینی مذکور عبارت‌اند از:

- تقابل ارزش‌های گفتمانی نخبگان مهاجر با نظام ارزشی حاکم بر جامعه (Hakimzadeh, 2013)؛
- نبود نگاه جذب حداکثری نخبگان در گفتمان حاکم بر جامعه؛
- تقابلی دیدن فرهنگ و ارزش‌های غربی با فرهنگ و ارزش‌های دینی و اسلامی.

این دسته از عوامل به‌عنوان دلایل شکل‌گیری ساختار و عوامل اجتماعی شناسایی شده‌اند، دلایلی که ریشه‌ای‌تر از ساختارهای اجتماعی هستند.

ت. عوامل استعاره‌ای و اسطوره‌ای ترغیب‌کننده خروج نخبگان از کشور عبارت‌اند از:

- غرب مدینه فاضله است. تصویرسازی ذهنی مردم ایران از کشورهای مغرب زمین به‌عنوان کشورهای مهد توسعه و پیشرفت موجب شده است تا در ناخودآگاه‌ترین سطح شناخت و معرفت عموم افراد جامعه ایران برای دستیابی به پیشرفت و توسعه نگاه خود را معطوف به مغرب‌زمین کنند. بررسی‌های صورت گرفته پس از انقلاب اسلامی ایران بیانگر آن است که به‌رغم گرایش‌های ایدئولوژیک نیروهای انقلابی درخصوص رویارویی با کشورهای غربی و متخاصم، عموم این افراد در صورت امکان فرزندان خود را برای تحصیل به کشورهای امریکا، انگلستان، کانادا، فرانسه و آلمان اعزام کرده‌اند. بورس‌های تحصیلی دولت جمهوری اسلامی ایران برای تحصیل دانشجویان داخل در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز عموماً به کشورهای غربی اختصاص یافته است.

- غرب سرزمین فرصت‌ها، آزادی و برابری است. اگرچه بررسی آثار نیمه دوم قرن بیستم بیانگر آن است که نظر نویسندگان حامی دیدگاه‌های سیاسی رادیکال عموماً به غرب منفی بوده است و به صراحت غربی‌ها را امپریالیست و غرب را مهد امپریالیسم می‌نامیدند، اما این دیدگاه‌ها در طول تاریخ ایران در اقلیت بوده است (Ghanoonparvar, 2013).

- ماندن در کشور به مثابه سوختن است. حسب تجربه زیسته نویسندگان در امور اجرایی و تعامل با صاحبان استعداد برتر کشور که در شرایط یأس و ناامیدی از دستیابی به موقعیت شغلی و زندگی اجتماعی دلخواه خود بیان می‌کردند، این است که ماندن در کشور نه تنها سودمند نیست، بلکه به معنای از بین رفتن فرصت‌های پیش‌رو است.

استعاره‌ها، داستان‌ها و روایت‌هایی از جذابیت‌های غرب، اهمیت دادن به استعدادها و برجسته‌تر کردن مشکلات جامعه و مقایسه مستمر با مزایای کشورهای غربی مسائلی هستند که در این لایه

دسته‌بندی می‌شوند.

۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خروج نخبگان از چرخه خدمت به جامعه موضوعی جهان‌شمول است؛ به عبارت دیگر، این موضوع خاص یک کشور یا گروهی از کشورها نیست. امروزه، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با این موضوع دست به‌گriبان هستند. اما مطالعات انجام شده بیانگر تحولات مهمی در این خصوص است؛ به عبارت روشن‌تر، به صورت سنتی افراد برگزیده و سرمایه‌داران کشورهای در حال توسعه به سوی کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت می‌کردند. اما امروزه، شاهد موج مهاجرت از کشورهای توسعه‌یافته به سوی کشورهای در حال توسعه هستیم. بررسی تجربه کشور چین و هندوستان بیانگر این مهم است که هر چند چینی‌تبارها و هندی‌تبارهای امریکایی که در کشور امریکا متولد شده بودند و نزدیک به سه دهه از عمر خود را در این کشور گذرانده بودند، اما در پی تغییر شرایط زندگی و کسب و کار در کشورهای مذکور حاضر شدند کشور توسعه‌یافته امریکا را به مقصد کشورهای هندوستان و چین ترک کنند.

فراهم کردن شرایط مناسب برای حیات اجتماعی و نیز کسب و کار سرمایه‌داران ایرانی غیرمقیم در کشور بدون شک، در بازگشت آنها به چرخه خدمت به جامعه اثرگذار است. مطابق رویکرد آینده‌اندیشی و نیز بر اساس مدل مفهومی ارائه شده متناظر با هر کدام از لایه‌های شناسایی شده در شکل ۱۲ راه‌حلهایی ارائه می‌شوند. برخی از این راه‌حل‌ها در لایه عوامل اجتماعی و اقتصادی و برخی دیگر در مواجهه با استعاره‌ها و اسطوره‌هایی است که در ذهن افراد قرار دارند. از همین رو، به نسبتی که از سطح عوامل عینی به سطح عوامل ذهنی نزدیک می‌شویم، راه‌حل از نظر زمانی از کوتاه‌مدت به بلندمدت و از نظر پیچیدگی از راه‌حل ساده به راه‌حل‌های پیچیده میل پیدا می‌کند.

طی سال‌های اخیر نهادهای ملی همچون بنیاد ملی نخبگان در تلاش هستند تا با تدبیر سازوکارهایی مشوق‌ها و انگیزه‌های لازم را برای جلوگیری از خروج نخبگان از کشور و بازگشت نخبگان به چرخه خدمت به جامعه مهیا سازند، اما گفتنی است که مطابق تجربه جهانی دستیابی به این مهم زمانی میسر است که طیفی از عوامل عینی و ذهنی در کنار یکدیگر در یک فرایند زمانی مشخص مهیا شوند تا امکان بازگشت افراد به چرخه خدمت به جامعه را تسهیل و تسریع سازد. از این رو، صرف در نظر گرفتن مشوق‌های مالی و برخی حمایت‌های رفاهی برای تضمین معکوس کردن خروج افراد از چرخه خدمت به کشور و جامعه اثربخشی لازم را برای دستیابی به چشم‌انداز مطلوب در پی ندارد. بنابراین، ضروری است که نقش عوامل ناملموس، انگیزه‌های روانی، ذهنی و اسطوره‌هایی که در ناخودآگاه ذهن افراد وجود دارد و آنها را به خروج از چرخه خدمت به جامعه سوق می‌دهد، در کنار نقش عوامل ملموس به صورت همزمان دیده شود.

References

- Ahmadi Lashki, G. (2019). The risk of increasing immigration of faculty members from Iran. Islamic Parliament of Iran. Available at: <https://www.parliran.ir/majles/fa/>. (in Persian).
- Akhondzadeh, S. (2016). Interview with Javan Online News. on 2016 July 4. Available at: www.javann.ir/003KwD (in Persian).
- Assar, M. (2017). Lack of compatibility between graduated people expertise and job market as a reason for immigration to abroad. *Mardomsalari Newspaper*, No 4495 (in Persian).
- Barkhordari, M. A. (2017). Interview with Ana News. on 2018 February 22. Available at: <http://ana.ir/i/253906> (in Persian).
- Bayat, R. (2014). Diaspora and transnational communities. Available at: <http://anthropology.ir/node/25271>. (in Persian).
- Bhargava, A.; Docquier, F., & Moullan, Y. (2011). Modeling the effects of physician emigration on human development. *Economics and Human Biology*, 9, 172-83, 10.1016/j.ehb.2010.12.004.
- Docquier, F., & Marfouk, A. (2005). International migration by educational attainment (1990-2000)-Release 1.1. International Migration, Remittances and Development. Available at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/APCITY/UNPAN022366.pdf>
- Fakoohi, N., & Ibrahimi, M. (2009). Iranian diaspora and its role on contextualization of social science in Iran. *Social Studies*, No 1. (in Persian).
- Ghanoonparvar, M. (2013). *Images of the west and westerners in Iranian fiction*. translated by Mehdi Najafzadeh. Tehran: Tisa (in Persian).
- Ghavam Shahidi, S.J. (2014). Iranian immigrants in abroad. Wikipedia. Available at: https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%D-B%8C%D8%A7%D9%86_%D9%85%D9%82%DB%8C%D9%85_%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC.
- Hakimzadeh, R.; Talaee, E., & Javanak, M. (2013). The impact of educational, social and cultural factors on tendency to immigration among students in Tehran University. *Quarterly Journal of Research and Plannig in Higher Education*, 19 (3), 81-102. Available at: <http://journal.irphe.ac.ir/article-1-2050-fa.html> (in Persian)
- Hashemi, Z. (2017). Lack of people trust to universities and professors in Iran. Retrieved 2017 September 18. Available at: <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-536865> (in Persian)
- Inayatullah, S. (1998). Causal layered analysis poststructuralism as method. *Futures*, 30(8), 815-829(in Persian).
- Inayatullah, S. (2017). Causal Layered Analysis (CLA). European Foresight Platform (EFP). Available at: <http://www.foresight-platform.eu/community/forlearn/how-to-do-foresight/methods/creative-methods/causal-layered-analysis-cla/>.
- Institute of International Education (IIE) (2019). The 2018 Open Doors Report on International Educational Exchange. Available at <https://www.iie.org/Research-and-Insights/Open-Doors/Data/International-Students/Places-of-Origin>
- Institute of International Education (IIE) (2013). The 2013 Open Doors Report on International Educational Exchange. Available at: <https://www.iie.org/Why-IIE/Announcements/2013/11/2013-11-11-Open-Doors-Data>
- Migration Policy Institute (MPI). (2017). Data Hub. Available at: <http://migrationpolicy.org/programs/data-hub>
- Motiei, N. (2017). Immigration of Iranian students to abroad. Available at: mehrnews.com/news/3904702 (in Persian).
- Nazemi, A., & Zighami, S. (2013). Policy making and conceptual paradigms on brain drain in Iran. *Saramad*, No 5(in Persian).
- OECD-UNDESA (2013). World Migration in Figures. OECD.

- Science and Technology News (2017). Credentialism in Iran. Available at: <http://stnews.ir/p=55362>
- Sharif University Research Institute of Science, Technology and Industry Policy (2018). Mobility of student in Iran and world. Available at: http://isti.ir/uploads/mobilestudent_970312.pdf. (in Persian).
- Shoamanesh, S. (2009). On the Iranian Diaspora. *Global Brief Magazine*, November 1. Available at: <http://globalbrief.ca/blog/2009/11/01/on-the-iranian-diaspora/>. (in Persian).
- Solimano, A. (2009). Mobilizing talent for global development. International Center for Globalization and Development, CIGLOB. Available at: www.andressolimano.com
- Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRIC)(2013). International Migration in the OIC Member Countries. Available at: <http://www.sesric.org/files/article/465.pdf>
- Tabnak News (2012). Brain drain in Iran and world. Retrieved 2012 January 3. Available at: www.tabnak.ir/fa/print/216493.
- The Boston Consulting Group (BCG) (2014). Creating people advantage 2014-2015: How to Set Up Great HR Functions. Available at: www.bcg.com
- Wächter, B. (2006). Brain drain: What we know and what we do not know. Available at: <http://www.portlandpress.com/pp/books/online/fyos/083/0051/0830051.pdf>
- Wadhwa, V., Jain, S., Saxenian, A., Gereffi, G., & Wang, H. (2011). The grass is indeed greener in India and China for returnee entrepreneurs: America's new immigrant entrepreneurs, Part VI (April 8). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1824670>
- World Bank (2011). *Migration and remittances factbook*. Available at: www.worldbank.org



◀ محمدحسینی مقدم: استادیار آینده‌پژوهی گروه مطالعات آینده‌نگری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی است. وی دانش‌آموخته کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و دکتری تخصصی آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، علم و فناوری حوزه مطالعاتی و تخصصی نامبرده است.



◀ حسن بشیری: استادیار گروه مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات در دانشگاه صنعتی همدان است. وی کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته مهندسی کامپیوتر گرایش نرم‌افزار اخذ کرده است و با توجه به علاقه‌اش به موضوعات میان‌رشته‌ای دکتری خود را در آینده‌پژوهی به اتمام رساند. زمینه تخصصی وی سیستم‌های پیچیده و شبیه‌سازی تغییرات اجتماعی است. موضوع مهاجرت نخبگان و چگونگی بازگشت آنان به چرخه خدمت جامعه یکی از پرسش‌های جدی بوده که وی به همراه همکارش در این پژوهش به آن پرداخته است.